

بررسی نظریه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل

علیرضا دانشیار^۱

چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی، ادبیات نظری تأثیرگذاری انقلاب‌ها بر روابط بین‌الملل تقویت شد. وقوع انقلاب اسلامی از آنجا که به احیای فرهنگ دینی و طرح الگوی دین‌محور در عرصه روابط بین‌الملل منجر شد، انگاره‌ها و مفروضات سکولار این عرصه را با چالش مواجه ساخت. سه گروه درباره تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل نظریه‌پردازی کرده‌اند. گروه اول بر شاخصه‌های ویژه اسلامی و انقلابی و بیشتر بر ویژگی فرهنگی و محتوایی انقلاب اسلامی تأکید دارند. گروه دوم افزون بر این، درصددند تا تأثیرگذاری انقلاب اسلامی را با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های الگویی به اثبات برسانند. گروه سوم که برخی از نویسندگان غربی در آن جای می‌گیرند، بر اساس رویکردهای تلفیقی به بررسی پیامدهای انقلاب اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی و تأثیر آن بر روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. در ابعاد عینی، توجه به تأثیرات فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی و نیز توجه به تحولات و منازعات ایران در آینده و تدوین برنامه و پیش‌بینی احتمالات پیش رو از اهمیت بالایی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، تأثیر، نظریه، روابط بین‌الملل.

^۱ دانش‌آموخته حوزه علمیه قم؛ دکتری مطالعات انقلاب اسلامی و پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.



مقدمه

انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین تحول دنیای معاصر در حوزه سیاسی و اجتماعی است. چگونگی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از پابندی به اصول و جهان‌بینی خاصی نشأت گرفته که منجر به واکنش‌های متعددی از سوی بازیگران روابط بین‌الملل شده است. انقلاب اسلامی در سه حوزه مهم عقیده، اخلاق و رفتار، منتقد جدی وضعیت کنونی این عرصه به شمار می‌آید و با تحول موضوعات بین‌المللی، ایده‌های جدیدی به جهان ارایه کرد. گذشته از اینکه روابط بین‌الملل رفتار واقعی کشورها را در بر می‌گیرد و نوع تعامل آنها را با قدرت‌های جهانی ارزیابی می‌کند، انقلاب اسلامی در حیات سیاسی خود همواره بازتابی از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل گفتمان معترض با گفتمان غالب و از جمله لیبرالیسم بوده است؛ تأثیری که در طول تاریخ بعد از مدرنیته، غیر قابل انکار می‌نماید.

در روابط بین‌الملل، تنش‌های گفتمان انقلاب به اوج خود می‌رسد. نقطه اوج آن، زمانی است که آموزه‌های اخلاقی و دینی فقط مباحثی نمادین و غیر دخیل در رفتار سیاسی در نظر گرفته می‌شوند؛ چراکه روابط بین‌الملل از سکولارترین عرصه‌ها است. وقوع انقلاب اسلامی و طرح گفتمان، عقیده و رفتار متناسب با شأن انقلابی که ریشه در رفتار نخبگان و رهبران انقلاب اسلامی و به‌ویژه امام خمینی علیه السلام داشت، بر روابط بین‌الملل تأثیر گذاشت. این تأثیرگذاری در رفتار و مواضع قدرت‌های بزرگ و از جمله آمریکا نمایان است و در اقدامات یک‌جانبه برای مهار قدرت ایران نمود پیدا کرده که نسبت به دولت‌های مختلف و گفتمان آنها شدت و ضعف داشته است.

در این راستا، دو حیطة پژوهشی مطرح می‌شود؛ یکی بررسی شیوه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در نظریه‌های موجود است که تأثیرگذاری بارز آموزه‌های دینی و اخلاقی را در روابط بین‌الملل نشان می‌دهد. این نظریات بیان می‌کنند که در روابط بین‌الملل نمی‌توان نقش آموزه‌های دینی را به طور مطلق انکار یا رد نمود. انقلاب اسلامی در ایجاد چنین

انگاره‌هایی تأثیرگذار بوده است.

دومین حیطه پژوهشی، رویه جاری و عینی مسلط بر روابط بین‌الملل است. این حیطه، از نظریه‌های بین‌المللی که به دنبال تأثیرگذاری مستقیم انقلاب اسلامی بر تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های متقابل بازیگران و ساختار موجود روابط بین‌الملل‌اند، قابل‌ارزیابی و بررسی است. بنا بر مطالب پیش‌گفته، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که رهیافت‌ها و نظریه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل چیست؟

در پاسخ به این پرسش، فرضیه تحقیق چنین شکل گرفت: انقلاب اسلامی با ایجاد گفتمانی جدید مبتنی بر رهیافت‌های دینی - اسلامی و ضد امپریالیستی توانست در عرصه‌های نظری و رفتاری بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد؛ رهیافت‌های نظری که در جنبه‌های محتوایی، الگویی و تلفیقی قابل بررسی‌اند. ضرورت بررسی تأثیرگذاری انقلاب، زمانی آشکار می‌شود که بدانیم معاندان و مخالفان جمهوری اسلامی درصددند تا این تأثیرگذاری را در پدیده‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جهان و جهان اسلام نادیده انگارند. تحقیق حاضر تلاش دارد رهیافت‌ها و نظریه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل را واکاوی کند.

۱. مفاهیم

۱/۱. انقلاب و انقلاب اسلامی

در فرهنگ فارسی، واژه «انقلاب» به معنای زیر و رو شدن، حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، شورش، واژگونی و ایجاد حکومتی نو آمده است. (انوری، ۱۳۸۱؛ عمید، ۱۳۵۶)

درباره معنای اصطلاحی انقلاب، اتفاق نظری میان اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی و صاحب‌نظران وجود ندارد. **آلویں استانفورد** به دو نمونه از تعاریف انقلاب اشاره کرده است. در تعریف نخست، انقلاب بزرگ را «تجدید بنای دولت» می‌داند. این نوع انقلاب، متضمن نتایج بزرگی برای جامعه یا جوامع مورد نظر است. چنین تغییراتی در اسطوره دولت، ترتیبات ساختاری، اشکال رهبری، یا نهادهای سیاسی واقع می‌شود. بنا بر



این تعریف، فقط انقلاب‌های بزرگ، انقلاب شناخته می‌شوند و نوعی انحصارگرایی در این زمینه اتخاذ می‌شود تا تمرکز بحث فقط روی انقلاب‌های بزرگ باشد.

در تعریف دوم، انقلاب نه به مثابه بخشی از روند سیاسی بهنجار، بلکه تغییری بزرگ و ناگهانی یا دگرگونی فوق قانونی محسوب می‌شود. این مکتب می‌پرسد: «تحول چگونه صورت پذیرفته است؟» و بیشتر به جنبه قانونی یا غیر قانونی بودن و خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز بودن انقلاب‌ها توجه دارد تا به موضوع تحول یا میزان گستردگی آن. مطابق تعریف دوم، انقلاب، تحولی غیر قانونی و خشونت‌آمیز محسوب می‌شود. (آلوین استانفورد، ۱۳۹۰)

بنابراین رویکردهای دسته نخست، انقلاب‌های بزرگ را به مثابه دگرگونی‌های بنیادی تأثیرگذار بر تاریخ جهان مد نظر قرار می‌دهند، ولی رویکردهای دسته دیگر، انقلاب‌ها را نه به دلیل بزرگی و نادر بودنشان در تاریخ، بلکه به دلیل مشابهت با دیگر شکل‌های خشونت مانند، قیام‌ها، شورش‌ها و جنگ‌های داخلی بررسی می‌کنند. (مارتین گریفیس، ۱۳۸۸)

بر مبنای تعریف اول، انقلاب اسلامی ایران از انقلاب‌های بزرگ جهان شناخته می‌شود که بعد از وقوع آن و تغییرات ساختاری که در اسطوره حکومت و ترتیبات ساختاری و اشکال رهبری و نهادهای سیاسی ایجاد کرد، تأثیر غیر قابل انکاری در جهان و روابط بین‌الملل گذاشته است.

۱/۲. روابط بین‌الملل

«روابط بین‌الملل»، اصطلاحی مرکب است که بر پدیده‌های اجتماعی - انسانی وضع شده و به معنای عام کلمه، رشته گسترده‌ای است مشتمل بر انواع روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، بازرگانی و... روابط بین‌الملل، مطالعه رفتار و عملکرد کشورها در صحنه بین‌المللی است. (غلامرضا علی‌بابایی، ۱۳۸۳)

در تعریفی دیگر، روابط بین‌الملل بخشی از علم سیاست است که کشاکش‌ها و هماهنگی‌های میان دولت‌ها، موقعیت دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی و روابطی که با آنها دارند و به طور کلی مسایل سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی را بررسی

می‌کند و در نظر دارد اصول و قواعد حاکم بر روابط بین‌المللی، میان بازیگران گوناگون را دریابد و کاربرد آنها را در عمل نشان دهد. (جوزف فرانکل، ۱۳۷۶)

۱/۳. تأثیرگذاری

«تأثیر» در فرهنگ لغت فارسی به معنای «اثر گذاشتن بر چیزی» آمده است. تأثیرگذاری نیز به معنای آنچه بر کسی یا چیزی اثر می‌گذارد. (حسن انوری، ۱۳۸۱)

تأثیرگذاری انقلاب‌ها بر نظام و روابط بین‌الملل، یکی از بحث‌هایی است که در مفهوم‌شناسی انقلاب، موجد اختلاف شده و در قالب این سؤال مطرح می‌شود که آیا انقلاب بر نظام بین‌الملل و روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارد، یا خود از آن تأثیر می‌پذیرد؟ برخی از صاحب‌نظران بر وجود رابطه‌ای یک‌سویه تأکید دارند و این‌گونه تبیین می‌کنند که این رابطه از سوی انقلاب تعیین می‌شود و این انقلاب است که بر نظام و روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارد. برخی دیگر به عکس، این رابطه یک‌سویه را به نظام بین‌المللی نسبت می‌دهند و نظام بین‌المللی را بر انقلاب مؤثر می‌دانند. گروه اول معتقدند انقلاب می‌خواهد نظم بین‌المللی را تغییر دهد، ولی به نظر گروه دوم انقلاب از نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد و بر اثر سیاست‌های بین‌المللی مجبور به تغییر سیاست‌های خود می‌شود. برخلاف طرفداران این دو نظریه که تأثیر انقلاب یا نظام بین‌الملل را یک‌سویه می‌دانند، از نظر فرد هالیدی، تأثیرگذاری انقلاب‌ها و نظام و روابط بین‌الملل، دوسویه است و انقلاب‌ها و نظام بین‌المللی به طور بنیادین بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. انقلاب‌ها سبب تحریک دیگر کشورها می‌شوند و نظام بین‌المللی نیز مانع گسترش انقلاب‌ها و سبب محدودیت‌های انقلابی می‌شود. (بهرام نوازی، ۱۳۸۸) منظور از «تأثیر انقلاب اسلامی»، این مؤلفه‌های نظری و عینی در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی در روابط بین‌الملل است؛ به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی عامل تأثیرگذار آن رویکردها و رهیافت‌ها در روابط بین‌الملل بوده است.

۲. ادبیات نظری تأثیرگذاری انقلاب اسلامی

نظریه‌های روابط بین‌الملل چه واکنشی نسبت به انقلاب اسلامی داشته‌اند؟ رویکردهای



نظری و دیدگاه‌هایی که در زمینه تأثیرگذاری انقلاب‌ها و به خصوص انقلاب اسلامی مطرح‌اند، پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده‌اند. در ادامه، به این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

۲/۱. دیدگاه عدم تأثیر

برخی، انقلاب اسلامی ایران را فاقد بازتاب نظری در روابط بین‌الملل می‌دانند. این رویکرد، ریشه در دیدگاه‌های غربی و به‌ویژه، دیدگاه «واقع‌گرایی» دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹) فرد هالیدی معتقد است واقع‌گرایان تأثیرگذاری انقلاب‌ها را موضوعی نمی‌دانند که در سطح روابط بین‌الملل قابل بحث باشد، بلکه فقط برای اثبات فشارهای بین‌المللی بر حکومت‌های انقلابی و وادار کردن آنها به همگونی و همگرایی بیشتر با نظام بین‌الملل و رعایت رفتارهای بین‌المللی مورد بحث قرار می‌دهند. (فرد هالیدی، ۱۳۷۸)

انقلاب اسلامی ایران با جایگاه برجسته‌ای که در جهان داشت، بر روابط بین‌الملل تأثیر گذاشت و منجر به اتخاذ روش‌هایی از سوی قدرت‌های بزرگ برای رویارویی با آن شد. تأکید بر تأثیر و نقش انقلاب‌ها - از جمله انقلاب اسلامی - و توجه به ویژگی داخلی کشورها در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، با اصول و مفروضه‌های پارادایم واقع‌گرایی، اعم از کلاسیک و ساختاری تعارض دارد؛ زیرا واقع‌گرایی، سیاست داخلی را جدای از سیاست خارجی می‌پندارد و اهمیت تأثیر عوامل داخلی بر سیاست خارجی را انکار می‌کند. این نظریه، منکر آن است که انقلاب‌ها، سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، واقع‌گرایی و نواقعی‌گرایی، قادر به تبیین تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر روابط بین‌الملل نیستند؛ زیرا واقع‌گرایی کلاسیک و نو، نقش ساختارهای غیر مادی و نظریات و انگاره‌های انقلابی در سیاست خارجی کشورهای انقلابی را نادیده می‌گیرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹)

۲/۲. دیدگاه‌های تأثیرگذاری

برخی از محققان ایرانی و غیر ایرانی رویکردها و نظریات دیگری را مطرح می‌کنند که انقلاب اسلامی ایران را در نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مؤثر می‌دانند و به ارائه

چارچوب‌های نظری در این زمینه پرداخته‌اند. در ادامه، نظریات و رهیافت‌های غربی و اسلامی (خارجی و داخلی) در این مورد بررسی می‌شود.

۱/۲/۲. دیدگاه‌های نظریه‌پردازان غربی

۱/۱/۲/۲. جان ال اسپوزیتو

جان ال اسپوزیتو از نظریه‌پردازان غربی است که انقلاب اسلامی و چگونگی بازتاب و صدور آن را در سایر جوامع بررسی کرده است. او تلاش کرده پیامدهای انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و غیر متجانس را تبیین نظری کند که این ادبیات نظری، به ویژه در حوزه صدور انقلاب اسلامی ایران توسعه بیشتری داشته است، به طوری که فرضیه‌ها و نظریه‌های مختلفی درباره ماهیت، معنا، مفهوم، سیاست‌ها و ابزارهای صدور انقلاب اسلامی ارائه کرده است. اسپوزیتو در کتاب انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن معتقد است:

دوست و دشمن متفق‌اند که انقلاب ایران تأثیر بسزایی بر جهان اسلام و غرب داشته است. این انقلاب برای برخی منبع «الهام و انگیزش» بوده است و ایران انقلابی برای برخی دیگر، نماد تهدیدی جدی علیه ثبات خاورمیانه و امنیت غرب به شمار رفته است. در این خصوص برخی دولت‌ها، صدور و بازتاب انقلاب و تأثیرگذاری آن را به عنوان تهدید تلقی کرده‌اند. از سویی دیگر، جمهوری اسلامی ایران از نخستین روزهای حیات خود، دو هدف را دنبال کرده است؛ یک، نهادینه کردن انقلاب، دو، صدور.... (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)

وی همچنین معتقد است غربی‌ها و به ویژه ایالات متحده در باره انقلاب اسلامی دچار کج‌فهمی و بدفهمی شده‌اند و این بدفهمی مانع درک خط‌مشی انقلاب ایران به طور عام و بازتاب جهانی این انقلاب به طور خاص شده است. نخستین کج‌فهمی که اسپوزیتو از آن نام می‌برد، این است که انقلاب اسلامی ایران، شیعی و فرقه‌گرایانه است، درحالی‌که این انقلاب از نخستین روزها، آگاهانه تصویری جهان‌شمول از خود نشان داد و آرزوهای جهان‌شمول در سر داشت. اسپوزیتو برای مثال به دیدگاه امام خمینی علیه السلام اشاره می‌کند که



انقلاب اسلامی را در اساس و پایه، اسلامی و متعلق به همه مظلومان جهان می‌داند. این نگرش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)

دومین برداشت اشتباه، این است که کشورها و برخی اندیشمندان غربی، درهم‌ریختگی و نابسامانی را ویژگی بارز انقلاب ایران می‌دانند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)

سومین بدفهمی این است که غربیان گمان می‌کنند مسیر انقلاب ایران قابل پیش‌بینی است. این تصور بر این فرض مبتنی است که ایدئولوژی پیش‌برنده ایران بر پایه آموزه‌های اسلامی قرار دارد و از این رو، سیاست‌گذاری‌ها از قبل تعیین شده و آشکار است، درحالی‌که سیاست‌های اسلامی با تغییر زمان و مکان و با توجه به رهیافت‌ها و رویکردهای نوشونده و به‌روز و با استفاده از قواعد فقهی - حقوقی ای همچون مصلحت بازتعریف می‌شوند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)

بدفهمی دیگر، اینکه در دیدگاه اسلامی نشأت‌گرفته از انقلاب ایران، میانه‌روی وجود ندارد؛ به تعبیر دیگر، ایرانی میانه‌رو وجود ندارد. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)

اسپوزیتو تأثیر بدفهمی‌ها و درک ناقص بازتاب انقلاب اسلامی را چنین توضیح می‌دهد: بدفهمی‌ها و فهم‌های ناقص یادشده، نگرش نادرستی را درباره بازتاب انقلاب ایران در خارج از ایران، رایج کرد... و موجب سوءتفاهم غرب نسبت به صدور انقلاب شد. پیش‌فرض یادشده همچنان استمرار یافته است.... (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)

اسپوزیتو با مطالعه فرایند سیاسی ایران در خاور میانه معتقد است:

سیاست پژوهان تلاش کرده‌اند تا وضعیت بی‌اندازه سیال و پیچیده‌ای را که بر بخش‌های وسیعی از جهان اثر گذاشته است، دریابند.... در این روند، سیاست خارجی ایران، میان «انزوای بین‌المللی» و «همکاری» در نوسان بوده و انقلاب ایران بیش از اینکه به ایجاد یا هدایت تلاش‌های انقلابی بیانجامد، گرایش‌های از پیش موجود در کشورهای مسلمان را تقویت کرده یا شتاب بخشیده است.... (اسپوزیتو، ۱۳۸۸)

۲/۲/۱/۲. فرد هالیدی

فرد هالیدی با تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورهای انقلابی، نقش انقلاب‌های بزرگ در روابط بین‌الملل را بررسی کرده و مهم‌ترین ویژگی انقلاب بزرگ و کشورهای



انقلابی را فراملی‌گرایی به معنای پیگیری اهداف و آرمان‌هایی فراتر از منافع ملی صرف می‌داند، به گونه‌ای که کشورهای انقلابی، تجدیدنظرطلب بوده و برای تغییر نظم بین‌المللی مستقر و نظام بین‌الملل موجود تلاش می‌کنند. هالیدی، استدلال می‌کند که انقلاب اسلامی ایران بیش از انقلاب‌های روسیه و فرانسه فراملی‌گرا بوده و اهداف فراملی را پیگیری کرده است و به تبع آن، اهداف ایدئولوژیک و معطوف به نظم جهانی نیز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منزلت و اولویت بیشتری داشته است. (هالیدی، ۱۳۷۸)

۲/۲/۲. دیدگاه‌های فرهنگی - اسلامی

دیدگاه‌های فرهنگی - اسلامی که از سوی برخی پژوهشگران داخلی مطرح شده‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول، به بررسی جنبه محتوایی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند که به تأثیر انقلاب اسلامی در جهان اشاره دارند.

دسته دوم، به جنبه الگویی و روش‌شناسی تأثیر انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

۲/۲/۲.۱. رهیافت‌های محتوایی

یکی از این رهیافت‌ها را منوچهر محمدی مطرح نموده است. او در کتاب بازتاب جهانی انقلاب اسلامی به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی در جهان پرداخته است و تلاش کرده تأثیر انقلاب اسلامی را بدون پرداختن به نظریات صرف دنبال کند و محتوای بحث برای او اهمیت بیشتری داشته است. او بر این باور است که:

یک بررسی همه‌جانبه از آثار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی و استفاده از نظریه سطوح مختلف تحلیلی با شیوه‌ای استقرایی نشان می‌دهد بازتاب انقلاب اسلامی بر دولت‌ها و ملت‌ها و میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی با توجه به نزدیکی و دوری فرهنگی و جغرافیایی جوامع مختلف با جامعه ایران، متفاوت بوده است. بر همین اساس بازتاب جهانی انقلاب اسلامی در سطوح مختلف جامعه شیعیان، اهل سنت، جهان سوم و نظام جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ر.ک: محمدی ۱۳۹۰)

یکی دیگر از دیگر نویسندگانی که به این موضوع پرداخته، **محمدباقر حشمت‌زاده** است. محدوده بحث حشمت‌زاده برخلاف محمدی همه‌جانبه نیست. وی در کتاب تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای مسلمان، محدوده جهان اسلام و کشورهای چوچون عراق، عربستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای عربی-آفریقایی، کشورهای جنوب شرق، افغانستان و پاکستان را بررسی کرده است. به گفته او: «انقلاب اسلامی در سه سطح دولت‌ها، ملت‌ها، و نهضت‌ها و جنبش‌ها بر کشورهای اسلامی تأثیر گذاشته است».

(حشمت‌زاده، ۱۳۸۷)

حشمت‌زاده همچنین به انواع تأثیرگذاری نیز پرداخته و آن را شامل تأسیس، توسعه، تحکیم یا تضعیف می‌داند. وی ماهیت و محتوای انقلاب اسلامی را در چهار سطح افکار، رفتار، روابط و ساختار آن بررسی کرده است. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷) بحث پایانی او به نمودها و آثار انقلاب اسلامی اختصاص دارد.

۲/۲/۲. رهیافت‌های الگویی و روش‌شناسانه

ابراهیم برزگر نویسنده‌ای است که برای بررسی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی به الگوهای روشی روی آورده است. بیشترین تمرکز برزگر به ارایه دقیق و منسجم الگو و روش ورود به موضوع تأثیرگذاری اختصاص دارد. او این موضوع را در مقاله‌ای با عنوان «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی» این‌گونه بیان کرده است: «در این بررسی آنچه بیشتر در کانون توجه ماست، متد است، نه محتوا. سخن در استفاده بهینه از نظریه مناسب در تحلیل مطالعه موردی است». (برزگر، ۱۳۸۲)

او از نظریاتی چون نظریه پخش که از سوی **هاگر استرن**د، جغرافی‌دان سوئدی ابداع و عرضه شد، بهره برده است. او توضیح می‌دهد: «این نظریه (نظریه پخش) در مورد گسترش نوآوری «پدیده‌های کشاورزی» و چگونگی گسترش «سل گاوی» در سال‌های مختلف به یافته‌های ارزشمندی دست یافت». (برزگر، ۱۳۹۱) برزگر در ادامه، در تبیین این نظریه می‌گوید: «هر چند آغاز کاربرد آن در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، کاربرد آن

در سایر عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت». (برزگر، ۱۳۸۲) او در کتاب نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، این نظریه‌ها را جمع‌آوری نموده است. از دیگر نویسندگان در این موضوع، می‌توان به **دهقانی فیروزآبادی** اشاره کرد. او به طور خاص تأثیرهای انقلاب اسلامی را بر نظریات روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است:

انقلاب اسلامی ایران از طریق ارایه ارزش‌ها، هنجارها، باورها و نظم سیاسی - اجتماعی نوین و برانگیختن واکنش ایدئولوژی‌های معارض از سوی دیگر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضعیف بنیادهای نظری سنتی روابط بین‌الملل و ظهور نظریه‌های معناگرا داشته است. واکنش نظریه‌های متعارض و مختلف روابط بین‌الملل به پیامدهای جهانی انقلاب اسلامی، یکسان نبوده و نیست؛ چون انقلاب اسلامی و تبعات آن به یک میزان، مبانی، اصول و مفروضه‌های نظریه‌های مختلف را به چالش نمی‌کشد، به طوری که امکان تبیین پیامدهای انقلاب اسلامی و نقش آن در روابط بین‌الملل در بعضی از نظریه‌ها بیشتر است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹)

به نظر دهقانی فیروزآبادی، انقلاب اسلامی توانسته بر نظریه‌های سنتی انقلاب که معطوف به فرایند تکاملی بود، تأثیر بگذارد و باعث تقویت نظریه‌پردازی در مورد نقش و تأثیر انقلاب‌ها در سیاست و روابط بین‌الملل شود.

۳. تأثیر انقلاب اسلامی بر رویکردها و پارادایم‌های سکولار

ظهور اسلام و مفروض‌های اسلامی که نیرویی تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل است، بنیان نظریه‌های سکولار روابط بین‌الملل مبنی بر عدم تأثیرگذاری دین بر تحولات و نتایج بین‌المللی را نقض و باطل می‌کند. نگرش سکولار در این نظریه‌ها، گفتمان مسلط محسوب می‌شود. در این نگرش، به صورت آگاهانه دین و سیاست از هم تفکیک می‌شوند. به این ترتیب مفهوم‌سازی متغیرهای روابط بین‌الملل، از جمله مفاهیم قدرت، منافع، امنیت و توسعه فارغ از آموزه‌های دینی، تعریف و حدود و ثغور آنها مشخص می‌شود. افزون بر آن، هرگونه نقش‌آفرینی انگاره‌های دینی در روابط بین‌الملل، نوعی انحراف از مسیر طبیعی و عقلانی محسوب می‌شود. در نتیجه دین نباید در مدیریت روابط بین‌المللی نقش



تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. (آجیلی، ۱۳۸۹) انقلاب اسلامی بر پارادیم‌های سکولار روابط بین‌الملل، شامل پارادیم واقع‌گرایی اعم از کلاسیک و ساختاری، نظریه‌های لیبرال، نظریات سازه‌نگاری، نظریه‌های مارکسیستی و نظریه‌های پست مدرن، تأثیرگذار بوده است. (ر.ک: فیروزآبادی، ۱۳۸۹) آموزه‌های مشترک نظریه‌های روابط بین‌الملل که گفتمان انقلاب اسلامی آنها را با چالش مواجه کرده عبارتند از: اومانیزم، اباحی‌گری، عقلانیت صرف ابزاری، ساینتیسم و پوزیتیویسم، نسبی‌گرایی افراطی و ناسیونالیسم غربی. همچنین در نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی بر هر دو جنبه ساختاری و اراده انسانی و نفی جبرگرایی تأکید می‌شود و در حوزه ماوراء طبیعی اصول ثابتی مثل وحی، نصوص قرآنی و نصوص مسلم روایی در نظر گرفته می‌شود. این اصول موجب شکل‌گیری مبانی هویتی پایدار شده است.

۴. نظریه‌ها و رهیافت‌های فرهنگی

گروهی از اندیشمندان عقیده دارند که نظریه‌های نظم بین‌الملل با وجود تفاوت‌هایی که با هم دارند، در یک اصل مشترک‌اند و آن، اینکه نظم جدید بدون توجه به اصول مبانی فرهنگی، قابل درک و استقرار نیست. بر این اساس، شرایط جدید حاکم بر نظام بین‌الملل، به سمت حاکمیت فرهنگ و مرجعیت نظریه‌های فرهنگی است. رویکردهای فرهنگی از تحلیل‌هایی که فقط به تأثیر منافع و منابع قدرت گروه‌های انسانی بر نظام بین‌الملل می‌پردازند، فراتر می‌رود و در کنار توجه به تعریف گروه‌ها از منافع و قدرت، به احساس تعلق افراد و چگونگی شکل‌گیری درک مشترک از منافع و قدرت نیز می‌پردازد. فرهنگ‌ها به سهم خود و از طریق ایجاد هویت‌های قومی، ملی و سیاسی در شکل‌دهی به نظام بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند (Berdal, ۱۹۹۸) و درک عمیق از سیاست و روابط بین‌المللی امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آنکه افزون بر توجه به آثار ساختارهای نهادی و صورت‌بندی قدرت، موضوعات فرهنگی نیز مورد توجه قرار گیرد. (عطایی، ۱۳۹۲)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، طیف گسترده‌ای از اندیشمندان و تحلیل‌گران غربی، حاکمیت بلامنازع لیبرال‌دموکراسی بر سیاست بین‌الملل را به رهبری آمریکا مطرح

نمودند و عده‌ای تأکید داشتند که امکان تأسیس هژمونی سیاسی بدون اثبات برتری فرهنگی و هویتی غیر ممکن است. از این رو، به چیستی فرهنگ و هویت غرب توجه نمودند و تلاش کردند اقتدار غرب را بر اقتدار فرهنگی لیبرال دموکراسی استوار سازند، نه بر قدرت بلامنزاع سیاسی یا اقتصادی. این نکته، دلالت بر آن دارد که ایران در موقعیتی فرهنگی قرار دارد؛ بدین معنا که اهداف، شرایط محیطی، منابع قدرت، نوع عملکرد بازیگران و... به عنصر فرهنگ مرتبط است. شکل‌گیری چنین موقعیتی برای ایران، ما را به آنجا رهنمون می‌شود تا در توجه به فرهنگ و رویکردهای فرهنگی اهتمامی دوچندان داشته باشیم. (کمالی اردکانی، ۱۳۸۶)

وقوع انقلاب اسلامی از آن حیث که به احیای فرهنگ دینی و ارایه الگوی دین‌محور در حیات اجتماعی منجر شد، نقدی جدی بر «عرفی‌گرایی» جریان غالب و سکولار دنیای مدرن است. ارزش‌های انقلاب اسلامی و محرک اصلی آن در نظام و روابط بین‌الملل، تولید و توسعه این نظریه است؛ یعنی نظریه‌ای که همه اشکال عرفی‌گرایی را به چالش کشیده و در عوض، از ضرورت نگاه‌های جایگزینی چون نگاه اخلاق‌محور و فرهنگ اسلامی در روابط بین‌الملل، به مثابه راهکاری برای خروج از بن‌بست‌های بحران‌زای فعلی سخن می‌گوید. توجه به این نکته لازم است که هدف نهایی و محوری جمهوری اسلامی ایران، با توسعه فرهنگ دینی ارتباط مستقیم و کامل دارد؛ هدفی که از حیث ماهیت و کارکرد با نظریه‌های فرهنگی روابط بین‌الملل قابل درک و عملیاتی شدن است. (افتخاری، ۱۳۹۱)

قدرت فرهنگی گفتمان انقلاب اسلامی به گونه‌ای بوده که همواره بخشی از جنگ روانی غرب، علیه جمهوری اسلامی ایران را مبارزه با قدرت فرهنگی ایران تشکیل داده است. چرایی و دلیل این امر نیز به قدرت‌سازی فرهنگ اسلامی در جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد. (افتخاری، ۱۳۹۱)

جمهوری اسلامی ایران توانسته با استفاده از اصول ارزشی و هویت‌ساز، بنیاد نظریه قدرت را متحول ساخته، قدرت فرهنگی را فعال نماید. زمینه‌ها و ویژگی‌هایی که منبع تأثیرگذاری و قدرت فرهنگی ایران است عبارتند از:

۱. قانون اساسی ایران و تجربیات جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در سیاست عملی و نظری جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ و از جمله فرهنگ دینی نقش قابل توجهی دارد.



۲. تحلیل سیره امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که در اندیشه و عمل، تنها مرجع این نهضت انقلابی، اسلام است و عوامل دیگر در ذیل و متناسب با آن، معنا و مفهوم می‌یابند. (افتخاری، ۱۳۹۱)

این نهضت فرهنگی، ضمن مفهوم‌سازی و بازسازی فکری و اندیشه‌ای، فرهنگ نوینی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرد و توانست دو گونه ادبیات تولید کند؛ ادبیات سلبی و ادبیات ایجابی.

ادبیات سلبی مبتنی بر نفی ستم و ستمگری در روابط بین‌الملل و بازتعریف واژه‌های استکبار و مستکبر، استضعاف و مستضعف، شیطان و شیطان بزرگ و طاغوت در روابط بین‌الملل است. افکار رهبران انقلاب با استفاده از آموزه‌های دینی، چنین مصداق‌سازی‌ها و ادبیاتی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرد.

ادبیات ایجابی نیز بر مفاهیم و انگاره‌هایی مبتنی است، از جمله: ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی، ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی، تقویت فرهنگ اصلاح‌طلبی، تقویت فعالیت‌های فکری، تأثیر انقلاب بر تبادل فرهنگی، تعامل نخبگان و مهم‌تر از همه، تأثیر انقلاب بر مطرح شدن ادبیات و آموزه‌های دینی در روابط بین‌الملل. انقلاب اسلامی ایران توانست با تکیه بر توسعه فرهنگی در داخل و تبادل و تعامل فرهنگی و تمدنی با خارج، فضای گفتگو با جهان را بر اساس اصلاح‌طلبی در ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل و زیرسیستم منطقه‌ای ایجاد نماید تا بتواند به فرهنگ‌سازی و هنجارسازی در قواعد رفتاری و ساختار سیاسی بپردازد و رویکرد جدیدی را در روابط بین‌الملل مطرح نماید که بر تحول ماهیت قدرت و قواعد بازی و تغییر در نوع بازیگران استوار باشد. (دهشیری، ۱۳۸۸)

در این تغییرات، مبانی معرفت‌شناختی با رویکرد و محوریت وحی و عقل، مبانی هستی‌شناسی اسلامی به ویژه هستی‌شناسی توحیدی و از سویی، انسان‌شناسی اسلامی بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار است. انسان‌محوری و نگاه انسانی به روابط بین‌الملل، از اساسی‌ترین مؤلفه‌ها و مشخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی است. البته باید دقت داشت که انسان‌محوری در گفتمان اسلامی با انسان‌محوری در تئوری‌های غربی متفاوت است.

۵. تأثیر سیاسی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل

انقلاب اسلامی بیش از آنکه در نظریه‌پردازی و تحول فرهنگی، در روابط بین‌الملل تأثیرگذار بوده، در عرصه سیاسی روابط بین‌الملل تأثیر گذاشته است. انقلاب اسلامی در ابعاد فکری - سیاسی با رویکردهای لیبرالیسم و سوسیالیسم و نیز سیاست برخاسته از این دو نگرش سازگاری نداشت. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، ایران همواره کانون توجه بوده است. مواضع و دیدگاه‌های نظری و پیشرفت‌های تکنولوژیکی ایران، بخش ثابت بازتاب‌ها و بازخوردهای رفتار سیاسی در روابط بین‌الملل بوده است. در چرایی این مسأله می‌توان گفت که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران در روابط بین‌الملل، بافتی سکولار داشت و یکی از هم‌پیمانان غرب و بخشی از زیرسیستم نظام سلطه بود که کارکردهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خاصی داشت. وقوع انقلاب اسلامی، جایگاه ایران را در روابط بین‌الملل دگرگون کرد و آن را از چیرگی جهان غرب و نظام سلطه خارج نمود. افزون بر آن، جمهوری اسلامی، نظام سلطه شرقی آن زمان به رهبری شوروی سابق را نیز نپذیرفت و آن را نظامی غیر دینی و مغایر با آموزه‌های اسلامی و اندیشه سیاسی اسلام می‌دانست که در دستیابی به اهداف غیر انسانی و غیر بشری و استعماری، تفاوتی با اندیشه سرمایه‌داری نداشت. انقلاب اسلامی بر نظام امپریالیستی آمریکا و نظام سوسیالیستی شوروی سابق تأثیر چشم‌گیری گذاشت. جهان اسلام نیز از این اندیشه تأثیر پذیرفت. خط‌مشی‌های جمهوری اسلامی ایران که روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده، عبارتند از:

۱. بازتعریف مقوله قدرت؛
۲. گذر از ائتلاف امنیتی با غرب؛ (متقی، و پوستان چی ۱۳۸۹)
۳. نفی صهیونیسم جهانی؛
۴. سیاست صدور انقلاب اسلامی؛
۵. نفی انحصارطلبی؛
۶. نفی توسل به زور و منازعه؛
۷. برنامه هسته‌ای صلح آمیز؛
۸. سیاست مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب؛
۹. سیاست تشنج‌زدایی و گفتگو.



۶. نظریه‌ها و رهیافت‌های آینده‌نگر

آینده‌پژوهی در روابط بین‌الملل به شکل‌های مختلفی دنبال می‌شود و مؤسسات و نهادهای تحقیقاتی و اجرایی زیادی در این زمینه فعال‌اند. بیشترین تلاش در مورد آینده‌پژوهی در روابط بین‌الملل، برای درک نیروهایی است که آینده را شکل خواهند داد. انقلاب اسلامی ایران نیز بنا بر ماهیت دینی و فرهنگی و سیاسی خود، باید نسبت به شکل‌گیری فرایندها و بلوک‌بندی‌های سیاسی - اجتماعی در آینده روابط بین‌الملل حساس باشد. از این رو، علاوه بر اینکه انقلاب اسلامی را - چه در عرصه داخلی و چه در عرصه‌های خارجی - مختص به زمان «حال» می‌دانیم، اما تأثیرگذاری بر «آینده» روابط بین‌الملل را باید مورد ارزیابی و سنجش قرار داد. دانش آینده‌پژوهی روابط بین‌الملل با انباشتی از داده‌ها و برداشت‌ها آمیخته شده است. مهم‌تر اینکه در پهنه آینده‌پژوهی در روابط بین‌الملل، شناسایی نیروهایی که آینده را شکل خواهند داد، خود تبدیل به موضوعی چالش‌برانگیز و مناقشه‌آمیز می‌شود. در میان پژوهش‌هایی که مربوط به آینده می‌شود، باید واقعیت خارجی با تحلیل‌های آینده‌نگر درهم‌آمیزند. میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی نیز در این زمینه، قابل توجه است. عده‌ای دیگر، برخورد بین اندیشه‌ها و تبدیل و تغییر این برخورد به سامانه‌های ژئوپلیتیک، مخصوصاً در تقابل بین اسلام سیاسی و نگرش‌های غربی را مطرح کرده‌اند. گستره زمانی کوتاه‌مدت، درازمدت و بلندمدت در آینده‌پژوهی روابط بین‌الملل نیز موضوع دیگری است.

برخی از این گزاره‌ها از آینده‌ای در قرن ۲۱ سخن می‌گویند که تنازع بین آمریکا و گروه‌های مسلمان، جای خود را به جنگ سرد جدیدی با روسیه خواهد داد. چین با مشکلات درونی و بحران‌های عمیقی روبرو خواهد شد و در میانه قرن، جنگی بین آمریکا و ائتلافی از قدرت‌های اوراسیایی، اروپای شرقی و خاور دور رخ خواهد داد. محور فعالیت‌های تکنولوژیک نظامی و غیرنظامی بر فضای ماورای جو متمرکز خواهد شد و آمریکا دوباره دوره جدیدی از قدرت‌یابی جهانی را تجربه خواهد کرد. (ر.ک: فریدمن، ۱۳۹۱)



درباره تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر آینده روابط بین‌الملل، ابتدا باید آسیب‌ها و نقاط قوت و ضعف انقلاب اسلامی شناسایی شود. موضوع دیگر، خود روابط بین‌الملل است. باید مشخص شود که روابط بین‌الملل به چه سمتی در حرکت است؛ چندقطبی یا تک‌قطبی؟ از سوی دیگر باید وضعیت جهان اسلام، جهان غرب و سایر بازیگران بررسی شود. عمق استراتژیک جمهوری اسلامی و نحوه تأثیرگذاری آن بر جنبش‌های اسلامی شیعه و سایر گروه‌ها، نیز مهم است؛ زیرا هرچه عمق استراتژیکی سیاست‌ها و اهداف نفوذش بیشتر باشد، تأثیر ژرف‌تری در روابط بین‌الملل خواهد داشت. دلیل این سطح از تأثیرگذاری این است که انقلاب اسلامی، بروز تحولات اساسی را در روابط سیاسی و فرهنگی فراهم می‌سازد.

مهم‌ترین موضوعات آینده انقلاب اسلامی، با تأکید بر رویکرد مبتنی بر چشم‌انداز، از نوع چالش‌های ناشی از سه دهه تجربه انقلاب و یا چالش‌های پیش‌بینی نشده‌ای است که ماهیت درگیری‌های آینده را ترسیم کرده، بر روند تحولات جهانی مؤثر خواهد بود. در تحلیل تحولات و منازعات ایران در آینده، باید سیاست کلی نظام بین‌الملل و رقابت‌های منطقه‌ای و نیز تحولات داخلی کشورها را در نظر داشت و استراتژی قدرت‌های رقیب به‌ویژه قدرت‌های منطقه را نیز بررسی کرد تا بر اساس آن، به تبیین ماهیت این منازعات و تحولات پرداخت. این چالش‌ها می‌تواند فرصت‌های مناسبی را در آینده ایران نیز فراهم کند که لازمه آن، تبدیل چالش‌ها به فرصت، تدوین استراتژی کارآمد و باور به برنامه‌ای بر اساس چشم‌انداز آینده است. باید توجه داشت که موقعیت مواجهه ایران با تحولات آینده از حیث امکانات و توان استراتژیک و نیز ظرفیت‌های علمی و کاربردی بالقوه، متفاوت است. از این رو، باید با درک عمیق توانایی‌ها و ظرفیت‌ها، آماده مواجهه با هریک از منازعات بود. (عیوضی، ۱۳۸۸)

۷. سناریوهای تأثیرگذاری بر آینده روابط بین‌الملل

سناریوها، آینده‌های احتمالی مختلف را برای راهبردنویسان ترسیم می‌کند، ولی آینده را پیش‌گویی نمی‌کنند. هدف سناریوها در سطحی و رای حالت موجود قرار دارد؛ زیرا سناریو به خودی خود، در مورد هدف خود صحبت نمی‌کند. سناریوها، تکنیک و فن اصلی و پایه

برای مطالعات آینده‌پژوهی‌اند و از مدت‌ها قبل، ابزارهایی نیرومند برای کمک به تصمیم‌گیری در قبال عدم قطعیت آینده و مورد استفاده برنامه‌ریزان دولتی، مدیران شرکت‌ها و تحلیلگران نظامی بوده‌اند. در عمل، سناریوها شبیه مجموعه‌ای از داستان‌ها است که بر اساس طرح‌هایی دقیق ساخته شده‌اند. این داستان‌ها به بیان دیدگاه‌های مختلف و چندگانه درباره رویدادهای پیچیده می‌پردازند؛ زیرا سناریوها به این رویدادها معنا می‌بخشند. (میتزر، و ریگر، ۱۳۸۸)

تبیین سناریوهای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر آینده روابط بین‌الملل و در نظر داشتن احتمالات آینده و سناریوهای مرتبط با آن، از مهم‌ترین مباحثی است که در محافل علمی از آن غفلت شده است. باید چگونگی پیش‌بینی سناریوهای آینده انقلاب اسلامی و روابط بین‌الملل بررسی شود. این بررسی، ما را با وضعیت محتمل حیات سیاسی در آینده روابط بین‌الملل آشنا می‌کند و در شناسایی مشکلات احتمالی یاری‌رسان خواهد بود. (هراتی، و معینی‌پور، ۱۳۹۱) می‌توان گفت هدف برنامه‌ریزی سناریویی، فقط تدوین سندهای علمی برای برنامه‌ریزی با هدف حل مشکلات نیست، بلکه فراتر از آن، دخالت در روندهای آینده است.

سناریوهای مطرح درباره تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر آینده روابط بین‌الملل عبارتند از:

- انکار تأثیر و تأثر؛
- تأثیر منفی بر آینده روابط بین‌الملل؛
- تأثیر مثبت بر آینده روابط بین‌الملل.

۱/۷. انکار تأثیر و تأثر

بر اساس این سناریو، انقلاب اسلامی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، تأثیری بر مسایلی جهانی ندارد و از آن نیز تأثیری نمی‌پذیرد. این سناریو بر اساس نظریه واقع‌گرایی غرب طرح می‌شود و از آن رو غیر قابل قبول است که موضع‌گیری‌های غرب در قبال تحولات منطقه و در برابر انقلاب اسلامی به خوبی نماینگر تلاش کشورهای غربی برای کم‌اثر کردن نفوذ و فعالیت‌های ایران، نه فقط در منطقه، بلکه در عرصه جهانی است. این نکته به خوبی نشان‌دهنده نادرستی این سناریو می‌باشد، ولی چون در سناریونویسی، همه

احتمالات - اگرچه کم‌اهمیت باشند- در نظر گرفته می‌شود، باید آن را برشمرده.

۲/۷. تأثیر منفی و تضعیف‌کننده

بر اساس این سناریو، هم انقلاب اسلامی ایران بر آینده روابط بین‌الملل و هم تحولات آینده روابط بین‌الملل بر آینده انقلاب اسلامی تأثیر منفی خواهد داشت. مؤلفه‌های تشدیدکننده این سناریو عبارتند از:

- منازعات ایدئولوژیک یا عقیدتی میان مسلمانان (عامل درونی)؛ (هراتی، ۱۳۹۲)
 - تلاش آمریکا و غرب برای انزوای ایران (مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بیرونی)؛ (هراتی، ۱۳۹۲)
 - تشدید فرقه‌گرایی در منطقه و تبلیغ ایران‌هراسی از سوی غرب (هلال شیعی و...).
- چگونگی بروز یا عدم بروز (تقویت یا تضعیف) این سناریو، بستگی زیادی به دیپلماسی فعال سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل دارد.

۳/۷. تأثیر مثبت و تقویت‌کننده

سناریوی تأثیر مثبت یا تقویت‌کننده، با ترسیم آینده بر مبنای همکاری استوار است. تحولات اخیر در جهان اسلام و نیز در رابطه با غرب، زمینه‌های لازم را برای تقویت گفتمان انقلاب اسلامی فراهم می‌کند و امکان رسیدن به وجوه تشابه و توافق میان انقلاب اسلامی و غرب در برخی از مسایل وجود دارد. مثلاً رسیدن به توافق هسته‌ای که چالشی بزرگ در روابط ایران با سایر کشورها ایجاد کرده بود، می‌تواند در تأثیرگذاری مثبت انقلاب اسلامی و کاستن از فشارهای بین‌المللی بر روی ایران مؤثر باشد. مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر این سناریو عبارتند از:

- تقویت گفتگو در سطح بین‌المللی و جهان اسلام؛
- همکاری کشورها و دولت‌های منطقه به‌ویژه کشورها و دولت‌های مسلمان برای کاستن از اختلافات (دیپلماسی فرهنگی و سیاسی)؛
- کنار گذاشتن اختلاف‌های عقیدتی.



نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد نظریه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. در این باره دو دیدگاه مطرح است. یکی دیدگاه عدم تأثیرگذاری است که نشأت گرفته از دیدگاه واقع‌گرایی و رئالیسم در روابط بین‌الملل است. دیدگاه دیگر که نسبت به دیدگاه اول طرفداران بیشتری دارد، قائل به تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل است. طرفداران این نظریه را چند طیف از نظریه‌پردازان تشکیل می‌دهند. گروهی، اندیشمندان و نویسندگان غربی‌اند، از جمله اسپوزیتو و فرد هالیدی. در میان نویسندگان و محققان ایرانی نیز دو رویکرد کلی وجود دارد. گروهی تلاش دارند تأثیرگذاری را در محتوا بدانند و گروهی دیگر، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی را در بُعد روش دنبال می‌کنند. البته می‌توان این نکته را هم درباره این رویکردها به‌ویژه نویسندگان ایرانی یادآور شد که آنها جنبه‌های فرهنگی - سیاسی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی را پررنگ کرده‌اند.

نظریات روابط بین‌الملل به دلیل غلبه رویکردهای سکولاری، نقشی برای آموزه‌های دینی در نظر نمی‌گرفتند. انقلاب اسلامی با مبانی و مفروض‌های دینی، آموزه‌های لیبرالیستی روابط بین‌الملل را که در همه نظریات غربی روابط بین‌الملل وجود دارند، تحت تأثیر قرار داده است که می‌توان به نظریه‌های لیبرال، سازه‌نگاری، نظریه‌های مارکسیستی و نظریه‌های پست‌مدرن اشاره کرد.

در زمینه تأثیر رهیافت‌های فرهنگی بر روابط بین‌الملل، انقلاب اسلامی توانست دو نوع ادبیات سلبی و ایجابی ایجاد کند که بازتعریف واژه‌هایی چون استکبار و مستکبر، استضعاف و مستضعف، و شیطان بزرگ از آن جمله است. این گفتمان و مصداق‌سازی در روابط بین‌الملل، با استفاده از آموزه‌های دینی اتفاق افتاد. در بخش ادبیات ایجابی، انقلاب اسلامی توانست بر مفاهیم و انگاره‌های فرهنگی روابط بین‌الملل تأثیرگذار باشد که می‌توان به ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی، ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی، تقویت فرهنگ صلح‌طلبی، تقویت فعالیت‌های فکری، تبادل فرهنگی، تعامل نخبگان و مهم‌تر از همه،



تأثیر انقلاب بر مطرح شدن ادبیات و آموزه‌های دینی در روابط بین‌الملل اشاره کرد.

یکی دیگر از ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر غرب، جهان اسلام و سازمان‌های همسو و غیر همسو (از جمله غیر متعهدها) بعد سیاسی است. روش‌ها و برنامه‌ریزی‌های سیاسی جمهوری اسلامی به صورت مصداقی، کشورهایی چون آمریکا و روسیه را تحت تأثیر قرار داد. در تأثیرگذاری سیاسی انقلاب نیز می‌توان به مواردی چون گذر از ائتلاف امنیتی با غرب، نفی صهیونیسم جهانی، سیاست صدور انقلاب اسلامی، نفی انحصارطلبی در روابط بین‌الملل، بازتعریف مقوله قدرت، نفی توسل به زور و منازعه و تبیین برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز اشاره کرد.

تحلیل آینده انقلاب اسلامی از روابط بین‌الملل و ساختار آن و بررسی منازعات جهانی و واکنش قدرت‌های بزرگ نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، موضوعی چالش‌برانگیز است که آینده تعامل ایران با سایر کشورها را روشن می‌سازد. برای فهم بهتر این موضوع، لازم است آینده انقلاب با توجه به جایگاه ایران در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز در منازعات و تحولات کنونی مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه می‌توان چالش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایران و از سوی دیگر، فرصت‌ها و موقعیت‌های استراتژیک ایران را بررسی کرد. برای تبیین میزان اثرگذاری نیز باید با توجه به شرایط موجود جامعه جهانی و ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، سناریوهای مختلفی بدون افراط و تفریط در بزرگ‌نمایی و کوچک‌انگاری وقایع تدوین گردد.

فهرست منابع

۱. آجیلی، هادی، صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۹ش.
۲. اسپوزیتو، جان ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۸ش.
۳. استانفورد، آلوین، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر قومس، ۱۳۹۰ش.
۴. اصغر افتخاری، الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۱ش.
۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱ش.
۶. برزگر، ابراهیم، نظریه پخش و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران، از کتاب نظریه‌های بازتاب انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۱ش.
۷. حشمت‌زاده، محمدباقر، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۸. دهشیری، محمدرضا، تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۷ و ۸، سال ۱۳۸۸ش.
۹. دهشیری، محمدرضا، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸ش.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین، مبانی نظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، از کتاب دین و روابط بین‌الملل، محمود واعظی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰ش.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۸۹ش.
۱۲. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین، اسلام و نظریه‌های روابط بین‌الملل: رویکرد فرانظری، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل (چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی)، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۳. سناریونویسی و رویکردهای متفاوت آن، مترجم مسعود منزوی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۸ش.
۱۴. عطایی، فرهاد و واسعی‌زاده، نسیم‌السادات، از روابط فرهنگی تا نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل: مروری بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۲ش.
۱۵. علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳ش.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.
۱۷. عیوضی، محمد رحیم، آینده انقلاب اسلامی و منازعات آینده جهان، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۸ش.
۱۸. فرانکل، جوزف، روابط بین‌الملل در جهان متغیر، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶ش.
۱۹. فریدمن، جرج، صد سال آینده (پیش‌بینی قرن بیست و یکم)، ترجمه محمد زهدی گهرپور و مریم دهقان آزاد، تهران، زیتون سبز، ۱۳۹۱ش.
۲۰. کمالی اردکانی، بررسی و نقد مبانی سکولاریسم، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۶ش.
۲۱. گریفیتس، مارتین، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشرنی ۱۳۸۸ش.

۲۲. متقی، ابراهیم و پوستین‌چی، زهره، الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم، دانشگاه مفید، بی‌تا.
۲۳. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۲۴. نوازی، بهرام، صدور انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. هالیدی، فرد، انقلاب و روابط بین‌الملل، ترجمه مسعود اخوان کاظمی، مجله انقلاب اسلامی، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز ۱۳۷۸ ش.
۲۶. هراتی، محمدجواد، سناریوهای آینده تعامل دوسویه بیداری اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی ایران، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۲۷. هراتی، محمدجواد و معینی‌پور، مسعود، سناریونویسی و آینده حیات سیاسی انقلاب اسلامی، مجله حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۲۸. Ferguson, Yale H. (۱۹۹۸), Looking Backwards at Contemporary Politics, in
۲۹. Jacquin-Berdal, Dominique; Oros, Andrew and Verweij, Marco.
۳۰. Culture in World Politics. London: Palgrave Macmillan

